

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
غریب و دل افگار و بیمار بودن
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن
چنان زار بودن، چنین خوار بودن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
به دوش همه دوستان بار بودن
ز اوج سعادت فرو اوفتادن
به کنج مصیبت نگونسار بودن
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به دل داشتن محنت تنگدستی
به سخن های پائین و بالا شنیدن
زهر رنگ گل بارها خار خوردن
چو لرزنده شمشاد، بی بار بودن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
به چشمان همسایگان خار بودن
درین ملک سودا و وسواس کم نیست
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
به بازار مکارگان پا نهادن
به ناچار آنجا خریدار بودن
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن
به امید روز فَرَحبار بودن

عزیزان خود مفت از دست دادن درین حسرت، آزرده و زار بودن
چنین است آزدگی های غربت که بی پاوسر بر سردار بودن
چه خوب است با اینهمه نامرادی بهم دوست بودن، بهم یار بودن
«اسیر» این نصیحت بیاران ضرورست
وطندار خود را مددگار بودن

(بن - المان، جنوری 1999م)